«آرمان ملی» تاخیر در رسیدگی به لایحه حمایت از زنان را بررسی می‌کند

توپ در زمین مجلس



آرمان ملی- مرتضی خبازیان: دختر نوجوان در راه‌پله‌های بلوک ساختمانی در یکی از شهرک‌های اطراف تهران پنهان شده است. از سرما در خود فرو رفته و وقتی مدیر ساختمان متوجه می‌شود، از او می‌خواهد به خانه برود. دختر نوجوان به مدیر ساختمان می‌گوید: می‌ترسد به خانه برود. در روزهای اخیر خبرهایی درباره ماجراهای جان‌باختن سوگند صیادی، اضطراب شدیدی به جامعه وارد کرده است. اگرچه روایت‌های اولیه تکذیب شد و در حال حاضر مسئولان در حال پیگیری ماجرا برای روشن شدن ابعاد این اتفاق هولناک هستند اما به دلیل وفور روایت‌های تایید نشده در فضای مجازی برخی تحت تاثیر قرار گرفته‌اند. نوجوان کم‌سن و سال می‌گوید: می‌ترسد به خانه برگردد. ظاهرا ماجرا از این قرار است که کسی با مادر دختر تماس گرفته و حرف‌هایی زده که حالا دختر نگران واکنش خانواده است. موضوع این نیست که خانواده نباید نسبت به رفتار فرزندان بی‌توجه باشند، مساله این است که در شدیدترین مشکلات، فرزندان باید خانواده را حامی خود بدانند و بتوانند به پدر و مادر تکیه کنند. با پادرمیانی رئیس ساختمان موضوع ختم به خیر می‌شود اما داستان خشونت علیه زنان در جامعه ما همچنان حل نشده باقی مانده است. لایحه حمایت از زنان در برابر خشونت سال‌هاست میان دولت و مجلس در رفت‌وآمد است. متنی که در ابتدا با عنوان «تأمین امنیت زنان در برابر خشونت» مطرح شد، در ادامه مسیر با تغییر عنوان و بازنگری در مواد مختلف، به «پیشگیری از آسیب‌دیدگی زنان و ارتقای امنیت آنان در برابر سوءرفتار» رسید. همین تغییرات نشان می‌دهد که درباره ماهیت و حدود حمایت قانونی از زنان اختلاف نظر وجود دارد. با وجود خشونت‌هایی که علیه زنان اعمال می‌شود، جامعه تا کی باید منتظر قانونی بماند که قرار است بخشی از خلأهای موجود در حمایت از زنان را جبران کند؟ احتمالا نمایندگان مجلس و کسانی که وظیفه حل مشکل را دارند، می‌دانند که طولانی شدن این روند نمی‌تواند بدون هزینه باشد.

یافتن نشانه خشونت

اتفاقی که در روزهای اخیر افتاده، پدیده‌ای نیست که بتوان آن را در اختلافات خانوادگی، خشونت‌های فردی یا رفتارهای غیرقابل پیش‌بینی افراد خلاصه کرد. وقتی در فاصله‌ای کوتاه خبرهای مربوط به جان‌باختن زنان منتشر می‌شود، باید از سطح بررسی جنایت‌های منفرد فراتر رفت و به وضعیتی اندیشید که در آن چنین اتفاق‌هایی را مکرر کرده است. گاهی پیش از وقوع اتفاق تلخ نشانه‌های خشونت، تهدید، کنترل و محدود کردن زنان وجود داشته که گاهی به شکایت و داگاه منجر شده، اما نتوانسته‌اند مانع وقوع فاجعه شود. از این نظر تأخیر در تصویب قانونی که چند سال است در مجلس مانده و قرار است از زنان در برابر خشونت حمایت کند، با امنیت و جان شهروندان گره خورده است. یکی از مهم‌ترین کارکردهای قانون حمایت از زنان، ایجاد امکان مداخله پیشگیرانه است. در اغلب پرونده‌های خشونت خانگی، قتل آخرین حلقه زنجیره‌ای از رفتارهای خشونت‌بار است. تهدید، ضرب و شتم، محدود کردن ارتباط، ایجاد ترس و... ممکن است مدت‌ها پیش از قتل آغاز شده باشد. اگر دستگاه‌های مسئول فقط بعد از وقوع آسیب یا ثبت شکایت وارد عمل شوند و به این موارد پیش از اتفاق توجه نداشته باشند از ظرفیت خود برای پیشگیری استفاده نکرده‌اند، البته اگر این ظرفیت در قانون حمایت از زنان لحاظ شده باشد که مثلا اگر روشن شد که فردی در معرض خطر قرار دارد، تمهید لازم برای حفاظت از وی در نظر گرفته شده باشد. مثلا مکان‌های امن در نظر گرفته شود که تا زمان روشن شدن موضوع و رفع خطر، کسی که در معرض تهدید قرار گرفته بتواند به آنجا مراجعه کند. به بیان دیگر حمایت از زنان نباید به ثبت شکایت، تشکیل پرونده و انتظار برای صدور حکم قضایی محدود شود. از این نظر می‌توان حمایت از زنان را زنجیره‌ای در نظر گرفت که قانون فقط یکی از حلقه‌های آن است و برای موثر بودن حمایت، باید حلقه‌های قبل و بعد از قانون را در نظر گرفت. نظام حمایتی باید بتواند خطر را پیش از تبدیل شدن به مشکل تشخیص و متناسب با آن واکنش نشان دهد. ارزش چنین قانونی بیش از آنکه در مجازات پس از وقوع جرم باشد، در جلوگیری از وقوع آن است.

وضعیت اقتصادی زنان

یکی دیگر از ابعاد مهم این مساله، وضعیت زنانی است که به دلیل وابستگی اقتصادی یا نبود حمایت خانوادگی و اجتماعی، امکان خروج از یک رابطه خشن را ندارند. برای زنی که درآمد مستقل ندارد، سرپناه دیگر ندارد و از حمایت اطرافیان برخوردار نیست، ترک خانه‌ای که در آن مورد خشونت قرار دارد، ممکن است به معنای ورود به وضعیتی دشوارتر باشد. توجه به این وضعیت کاملا روشن می‌کند که حتی اگر امکان شکایت فراهم باشد، به معنای برخورداری از امنیت نیست. خانه‌های امن، خدمات مددکاری، حمایت حقوقی، مشاوره و چه بسا کمک اقتصادی را باید بخش‌هایی از یک نظام حمایتی در نظر گرفت. نمی‌توان از زنی که برای حفظ جان خود به ترک محیط خشونت‌آمیز فکر می‌کند، انتظار داشت که وقتی در معرض خشونت غیرقابل کنترل قرار می‌گیرد، به سادگی از محل بگریزد و به نقطه امن برود؛ کدام نقطه امن؟ این را باید قانون روشن کند وگرنه حمایت از زنان به مجموعه‌ای از دستورالعمل‌ها روی کاغذ تبدیل می‌شود.

اهتمام نماینده‌ها

اکنون زمان آن است که نماینده‌های مجلس پاسخ دهند که چرا روند رسیدگی به قانونی با چنین اهمیت اجتماعی سال‌ها طول کشیده است و آیا امکان از بین بردن اختلاف نظرها وجود نداشته است؟ در سوی دیگر دولت هم باید روشن کند که پس از تصویب قانون، چه منابع مالی، نیروی انسانی و امکانات اجرایی برای تحقق اهداف آن در نظر گرفته است. به این دلیل ساده که قانون بدون بودجه، نهاد مسئول و ضمانت اجرای روشن، نمی‌تواند از جان شهروندان محافظت کند. آیا اگر این لایحه تاکنون تصویب شده بود، می‌توانست جلو اتفاق‌های اخیر را بگیرد؟ برای پاسخ به این سوال لازم است پرونده‌ها یک به یک مورد بررسی قرار گیرند و تفاوت‌ها و شباهت‌ها موشکافی و آنگاه با قانون مورد نظر سنجیده شود، اما می‌توان با اطمینان گفت که وجود سازوکارهای مؤثر برای شناسایی تهدید، حمایت فوری و فراهم کردن امکان خروج از محیط خشونت‌آمیز، شانس پیشگیری از بخشی از این قتل‌ها را افزایش می‌دهد. همین احتمال کافی است تا تأخیر در تصویب و اجرای چنین قانونی به مسئله‌ای جدی در حوزه مسئولیت عمومی تبدیل شود. اکنون که مجلس جلسات خود را به صورت غیرحضوری برگزار می‌کند، فرصتی است که به این لایحه بپردازد. نماینده‌ها باید نسبت به موضوعی به این اهمیت قدری بیشتر اهتمام نشان دهند. لایحه‌ای که قرار بود امنیت زنان را تأمین کند، پس از سال‌ها هنوز درگیر اختلاف بر سر متن، حذف و بازگشت مواد قانونی و حتی احتمال استرداد است. این وضعیت نشان می‌دهد که مسئله فقط طولانی شدن روند قانون‌گذاری نیست بلکه هنوز درباره حدود و چگونگی حمایت قانونی از زنان توافق پایداری شکل نگرفته است.

معاون وزیر آموزش و پرورش اعلام کرد

پیگیری پرونده «سوگند صیادی» توسط کمیته فوریت‌ها

معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش‌وپرورش با اشاره به رسیدگی به موضوع پرونده «سوگند صیادی»، دانش‌آموز کرمانشاهی گفت: کمیته تخصصی فوریت‌های وزارتخانه در سطوح مختلف در حال رسیدگی هستند و همکارهای لازم و متقابل هم با قوه قضائیه طبق روال و سازوکار خود در جریان است. بلوغ، تنها دوره‌ای از تغییرات جسمی نیست؛ بلکه مرحله‌ای حساس از تحولات عاطفی، روانی و فکری است که چگونگی مواجهه خانواده و مدرسه با آن می‌تواند در شکل‌گیری شخصیت، قدرت تصمیم‌گیری و توانایی دانش‌آموزان برای محافظت از خود در برابر آسیب‌ها نقش تعیین‌کننده‌ای داشته باشد. از همین رو، آموزش متناسب با سن، آگاهی از تغییرات جسمی و عاطفی، شناخت مرزهای فردی و توانایی درخواست کمک در موقعیت‌های پرخطر، از جمله ضرورت‌هایی است که نمی‌توان آن را صرفاً به فضای خانواده واگذار کرد و نیازمند مداخله آموزش و پرورش به عنوان مکانی امن برای دانش‌آموزانیست که ساعت‌ها در آن زمان می‌گذرانند. باید در نظر گرفت دوران بلوغ به دلیل هیجانات زودگذر نیازمند بازنگری در شیوه‌های تربیتی، آموزش مهارت‌های زندگی و میزان آمادگی خانواده‌ها و مدارس برای مواجهه با مسائل عاطفی و روانی دانش‌آموزان است؛ موضوعی که در کنار بررسی ابعاد قضایی و اجتماعی، پرسش‌هایی اساسی درباره مسئولیت نهادهای تربیتی در آگاه‌سازی کودکان و نوجوانان را نیز مطرح می‌کند. مرگ تلخ «سوگند صیادی» دانش‌آموز کرمانشاهی، پرسش‌هایی را درباره نقش خانواده و نظام آموزشی در تربیت عاطفی و آگاه‌سازی کودکان و نوجوانان و اهمیت توجه به دوره بلوغ ایجاد می‌کند که در این خصوص صادق حسین‌زاده ملکی، معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش‌وپرورش، در گفت‌وگو با ایسنا، اظهار کرد: در طول سال اتفاقات تلخ متعددی در برخی خانواده‌ها رخ می‌دهد که دلایل و ریشه‌های متنوعی از جمله مسائل فرهنگی و حوادث مختلف در آن نقش دارند و پرونده‌های متعددی نیز در قوه قضاییه وجود دارد که گروه‌های سنی متفاوتی را دربرمی‌گیرد؛ بنابراین ربط دادن هر یک از این اتفاقات به یک عامل مشخص، لزوماً تحلیل دقیقی نیست. وی با تأکید بر ضرورت تقویت فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی افزود: هر اندازه آموزش‌وپرورش، فضاهای تعلیم و تربیت و حوزه فرهنگی با نگاه فراراهبردی خود، فرصت بیشتری برای فعالیت‌های فرهنگی و تربیتی فراهم کنند، طبیعتاً احتمال وقوع چنین حوادث تلخی کاهش می‌یابد. معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش‌وپرورش با بیان اینکه این حوادث عموماً بر بررسی مصداقی، نیازمند ریشه‌یابی هستند، تصریح کرد: در بررسی این موضوعات باید عالمانه‌تر، تخصصی‌تر و فنی‌تر عمل کنیم. این مسائل بسیار حساس هستند و از طرف دیگر با آبروی خانواده‌ها ارتباط دارند لذا طرح چنین موضوعاتی در رسانه‌ها نیازمند ملاحظات خاص خود است. حسین‌زاده ملکی یکی از اصول مراقبت در برابر آسیب‌های اجتماعی دانش‌آموزان را مواجهه تخصصی و مسئولانه فضای رسانه‌ای با این حوادث دانست و گفت: ابتدا باید موضوع بررسی و ابعاد آن به‌درستی شناسایی شود تا هر روایت یا خبر نادرستی که با هر انگیزه‌ای منتشر می‌شود، مبنای تحلیل قرار نگیرد. در بررسی‌هایی که با گروه‌های مختلف مرتبط با موضوع انجام می‌دهیم، گاهی تفاوت‌های معناداری میان واقعیت‌ها و روایت غالب رسانه‌ای و فضای مجازی مشاهده می‌کنیم. وی ادامه داد: در بررسی هر مصداق باید اصول تخصصی و پروتکل‌های مبتنی بر آخرین یافته‌های علمی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و به‌ویژه کرامت انسانی رعایت شود. معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش‌وپرورش با اشاره به ورود دستگاه قضایی و بخش‌های فوریتی آموزش‌وپرورش به پیگیری موضوعات این چنینی مرتبط اظهار کرد: پیش از رسیدن برخی مسائل به مراحل بحرانی نیز پیگیری‌هایی انجام و خدماتی ارائه می‌شود و در نخستین فرصت نیز اقدامات حمایتی صورت می‌گیرد.

تمرکز بر سال‌های منتهی به بلوغ

حسین‌زاده ملکی در پاسخ به پرسشی درباره ورود آموزش‌وپرورش به موضوع بلوغ جسمی و جنسی دانش‌آموزان و ضرورت آموزش‌های آگاهانه در این زمینه گفت: یکی از موضوعاتی که با آن مواجه هستیم و برای آن پروتکل و آموزش‌هایی داریم، مسئله سن بلوغ است. وی با بیان اینکه بلوغ یکی از مهم‌ترین دوران زندگی انسان محسوب می‌شود، افزود: در این دوره تغییرات جسمی، روحی و حتی فکری در انسان شکل می‌گیرد. این تغییرات سرمایه‌ای خدادادی برای رشد و تکامل انسان است، اما طبیعتاً مخاطراتی نیز به همراه دارد؛ از همین رو، تمرکز برنامه‌های فرهنگی و حمایتی آموزش‌وپرورش بر این دوره سنی نسبت به گذشته افزایش یافته است. معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش‌وپرورش ادامه داد: در سال‌های ابتدایی و سال‌های منتهی به سن بلوغ دختران و پسران، توجه بیشتری به این دوره در آموزش و پرورش صورت می‌گیرد. در ساماندهی نیروها، تخصیص مربی، مشاور و نیروهای کیفیت بخشی نیز تلاش شده است تمرکز بیشتری بر این دوره وجود داشته باشد. آموزش‌هایی هم در این زمینه ارائه می‌شود، البته این آموزش‌ها حتماً باید توسعه یافته و تقویت شوند. وی با اشاره به تأثیر توجه به دوره بلوغ در کاهش برخی آسیب‌های اجتماعی گفت: یکی از دلایلی که در برخی استان‌ها توانسته‌ایم بعضی آمارهای آسیب‌ها را کاهش دهیم، توجه ویژه‌تر به همین دوره سنی بوده است. این موضوع یکی از مسیرهای راهبردی و کلیدی ماست، هرچند هنوز با نقطه مطلوب فاصله داریم.

پیشگیری از آسیب‌ها با محیط امن

حسین‌زاده ملکی با بیان اینکه انتظار حذف کامل آسیب‌های اجتماعی در هیچ جامعه‌ای واقع‌بینانه نیست، اظهار کرد: حتی در ثروتمندترین و قدرتمندترین کشورهای جهان نیز پرونده‌های متعددی از جنایات و حوادث مرتبط با دانش‌آموزان، والدین و معلمان وجود دارد، اما اصول و اقداماتی هست که می‌تواند احتمال وقوع این آسیب‌ها را کاهش دهد. وی تقویت جمع‌های دوستانه سالم در مدارس را از مهم‌ترین این اقدامات دانست و افزود: باید محیط امنی را در مدارس و محلات برای دانش‌آموزان تقویت کنیم. از تشکل‌های دانش‌آموزی تا ظرفیت گروه‌ها و نهادهای مختلف باید زمینه مشارکت فراهم شود، به دانش‌آموز نیز نقش و میدان فعالیت دهیم.

معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش‌وپرورش ادامه داد: وقتی دانش‌آموزان برای یک هدف مثبت در مدرسه یا محله دور هم جمع می‌شوند، طراحی و فعالیت گروهی انجام می‌دهند، همین نقش‌آفرینی می‌تواند زمینه بسیاری از آسیب‌ها را از بین ببرد و اجازه ندهد برخی مسائل به مرحله بحران برسد. وی هم‌افزایی نهادهای محلی را از دیگر الزامات پیشگیری دانست و گفت: تأکید رئیس جمهور بر محله‌محوری و مسجدمداری نیز در همین راستاست؛ یعنی نهادهای محلی برای حل مسائل مردم به یکدیگر متصل شوند و از ظرفیت خود مردم استفاده شود. گاهی به ظرفیت‌های بومی توجه نمی‌کنیم و تصور می‌کنیم فردی از شهر یا منطقه‌ای دیگر باید برای حل مسئله یک محله وارد شود، در حالی که خود بافت محلی ظرفیت‌هایی دارد که می‌تواند در حل مسائل مؤثرتر باشد. حسین‌زاده ملکی همچنین بر نقش محصولات فرهنگی و رسانه‌ای در تربیت دانش‌آموزان تأکید کرد و افزود: در کنار آثار و محصولات منفی فرهنگی و رسانه‌ای که ممکن است برخی آسیب‌های اجتماعی را تقویت کنند، باید زمینه تولید و دیده‌شدن محصولات مثبت و جذاب نیز فراهم شود؛ آثاری که بتوانند آموزش‌ها و نکات مفید را به شکلی مؤثر در ذهن و روح دانش‌آموزان نهادینه کنند. معاون پرورشی و فرهنگی وزارت آموزش‌وپرورش در ادامه با تأکید بر ضرورت دقت در به‌کارگیری عنوان «دانش‌آموز پرخطر» گفت: این تعبیر نیازمند مراقبت است؛ چراکه دانش‌آموز آینده دارد، در آینده تشکیل خانواده می‌دهد و صاحب فرزند می‌شود.

اخبار

پرداخت معوقات پرستاران

وزیر بهداشت با اشاره به اقدامات انجام شده جهت بهبود معیشت پرستاران و همچنین تلاش برای افزایش تعرفه‌های این گروه گفت: تحقق این اقدامات مستلزم کمک مجلس و حوزه اقتصادی کشور است و در این زمینه نیز رایزنی‌هایی را آغاز کرده‌ایم. دکتر محمدرضا ظفرقندی در حاشیه همایش ارتقای تاب‌آوری حرفه‌ای در جامعه پرستاری با حضور در جمع خبرنگاران اظهار کرد: همایش مدیران پرستاری حدود ۲۷۰ بیمارستان با هدف پیگیری علمی، ملی و حرفه‌ای موضوع تاب‌آوری برگزار می‌شود تا بتوانیم تجربیات را با یکدیگر مرور و منعکس کنیم. او با بیان اینکه نظام سلامت باید برای مواجهه با بحران‌ها و شرایط خاص آمادگی داشته باشد، افزود: ضروری است این آمادگی از قبل ایجاد شود و معاونت پرستاری وزارت بهداشت با همکاری مدیران پرستاری، پروتکل‌های لازم را تدوین، ارائه و در سراسر کشور به‌سرعت اجرایی کند. وزیر بهداشت با اشاره به تجربیات جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان تصریح کرد: این تجربیات نشان داد که نظام سلامت و به‌ویژه جامعه پرستاری نقش‌آفرینی جدید و فداکاری قابل توجهی داشته‌اند. در این اجلاس، نیازهای مربوط به سازماندهی بهتر در این حوزه مورد بحث و بررسی قرار می‌گیرد و جمع‌بندی مباحث برای اجرا به سراسر کشور ابلاغ خواهد شد. ظفرقندی درباره ضرورت حمایت از جامعه پرستاری ادامه داد: وظیفه داریم در ابعاد مختلف، از جمله حمایت‌های معیشتی، شرایط کاری و تأمین احترام، آرامش خاطر و کرامت انسانی پرستاران اقدامات لازم را انجام دهیم تا این گروه بتوانند در شرایط بحرانی با آرامش و سهولت بیشتری به مردم خدمت کنند. وزیر بهداشت در پاسخ به پرسش ایسنا درباره پرداخت معوقات پرستاران گفت: در حال حاضر، میانگین معوقات جامعه پرستاری در حدود ۶ ماه است؛ این در حالی است که میزان معوقات در آغاز فعالیت دولت چهاردهم حدود ۱۰ تا ۱۱ ماه بود و توانسته‌ایم وضعیت را بهبود دهیم. ظفرقندی درباره اقدامات انجام شده برای بهبود وضعیت معیشتی پرستاران نیز اظهار کرد: میزان اضافه‌کار جامعه پرستاری حدود چهار برابر شده است. وی درباره تعرفه‌های پرستاری نیز اظهار کرد: در سال ۱۴۰۵ و همچنین سال ۱۴۰۶ تلاش می‌کنیم تا حد امکان افزایش تعرفه‌ها را محقق کنیم. وزیر بهداشت با اشاره به ضرورت همراهی سایر دستگاه‌ها برای تأمین منابع مورد نیاز این اقدامات گفت: تحقق برخی از این نیازها مستلزم کمک مجلس و حوزه اقتصادی کشور است تا بتوانیم مصوبات مورد نظر را تأمین کنیم. در این زمینه نیز رایزنی‌هایی را آغاز کرده‌ایم.

«شهریه» پیش‌دبستانی‌ها

رئیس سازمان تعلیم و تربیت کودک با اشاره به اهمیت دورهٔ پیش‌دبستانی و تحقق نرخ پوشش حداکثری این دوره، گفت: ماهیت صرفاً غیردولتی یکی از موانع اصلی در تحقق عدالت آموزشی در این دورهٔ حساس است. حمیدرضا شیخ‌الاسلام، با اشاره به جمعیت ۷ میلیونی مخاطب سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک، گفت: پیش‌دبستانی حساس‌ترین دوره تربیتی است و به همین دلیل به تخصصی‌ترین اقدامات و برنامه‌های تربیتی و آموزشی نیاز دارد. وی افزود: امروزه آموزش و پرورش به عنوان مهمترین شاخص توسعه مطرح می‌شود؛ به همین دلیل کشورهای بزرگ و اقتصادهای اول جهان بالاترین سرمایه‌گذاری ممکن را در این حوزه انجام داده‌اند. شیخ‌الاسلام با اشاره به افزایش نرخ پوشش دوره پیش دبستانی ۲ در دوره مدیریتی جدید، ادامه داد: این دوره نقش بسزایی در موفقیت تحصیلی کودکان در آموزش رسمی دارد؛ به طوری که طبق تحقیقات انجام‌شده، کودکانی که دوره پیش‌دبستانی را می‌گذرانند احتمال تکرار پایه بسیار کمتری دارند. معاون وزیر آموزش و پرورش تاکید کرد: تکرار پایه هم برای کودک و خانواده هزینهٔ مالی و روحی-روانی دارد و هم برای سیستم آموزش و پرورش هزینه‌های بسیاری در رقم می‌زند. وی افزود: خوشبختانه با نهادینه شدن فرهنگ دوره پیش‌دبستانی در جامعه ایرانی، نرخ پوشش حتی در دوره جنگ رمضان نه‌تنها کاهشی نشد که افزایش هم پیدا کرد و از ۴۲ به بالای ۷۲ درصد رسید؛ اتفاقی بزرگ که قطعاً روی نرخ تکرار پایه تأثیر مستقیمی دارد؛ البته سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک برای مابقی کودکان بازمانده از پیش‌دبستانی ۲ نیز دوره کوتاه‌مدت تابستانه را برگزار کرد. رئیس سازمان ملی تعلیم و تربیت کودک با بیان اینکه نوآموزان باید با بالاترین آمادگی ممکن وارد دوره ابتدایی شوند، یادآور شد: یکی از موانع بزرگ در مسیر نهادینه شدن عدالت آموزشی در دوره پیش دبستانی، ماهیت صرفاً غیردولتی است. از این رو، با تلاش‌های انجام‌شده و مساعدت کمیسیون آموزش مجلس شورای اسلامی، تلاش بر اینست که اولاً از بدو تولد تا پایان ۶ سال تمام به یک دوره در نظام آموزشی کشور تبدیل شود؛ دوم، ماهیت این دوره از صرف غیردولتی به دولتی-غیردولتی تغییر کند و سوم، مدارک دوره پیش ۲ اعتباری شوند.

گزارش

۱۸ سال بی‌خبری و پایان انتظار

قصه تلخ خانواده‌های گمشدگان

ناپدیدشدن یکی از اعضای خانواده، فارغ از سن و شرایط فرد، می‌تواند آغاز روزهایی همراه با نگرانی، بی‌خبری و جست‌وجوی بی‌وقفه برای نزدیکان او باشد. در چنین شرایطی، اعلام فوری مفقودی به پلیس، اطلاع‌رسانی عمومی و پیگیری از مسیرهای قانونی می‌تواند در روند یافتن افراد مؤثر باشد؛ تأکیدی که از نظر پلیس و حقوقدانان نیز باید خانواده‌ها پس از مفقودی عزیزانشان مد نظر قرار دهند. به گزارش ایسنا، ۱۸ سال بی‌خبری از فرزند؛ ۱۸ سال جست‌وجو و انتظار. عادل طاهری، جوان اهل روستای افراچال شهرستان ساری، سرانجام پس از نزدیک به دو دهه در مرکز نگهداری افراد دارای معلولیت «انوار آفتاب» در قم شناسایی شد و به خانواده‌اش بازگشت. انتشار ویدئویی از مراسم عزاداری در این مرکز، سرنخی برای شناسایی او شد؛ هرچند پدر عادل پیش از این دیدار از دنیا رفته بود و فرصت دیدار دوباره با فرزندش را پیدا نکرد. پرونده عادل طاهری در کنار پایان ۱۸ سال بی‌خبری خانواده‌اش، پرسش‌هایی درباره نحوه شناسایی افراد مجهول‌الهویه، مسئولیت مراکز نگهداری و سازوکارهای موجود برای یافتن خانواده این افراد مطرح می‌کند.

عادل چگونه پیدا شد؟

عادل طاهری در ۲۳ آبان سال ۱۳۸۷، در ۲۵ سالگی از خانه خارج شد و دیگر به خانه بازنگشت. او که با کم‌توانی ذهنی و اختلال در گفتار مواجه بود، در سال‌های پس از ناپدیدشدن در مرکز نگهداری انوار آفتاب قم زندگی می‌کرد؛ در حالی که خانواده‌اش همچنان از سرنوشت او بی‌خبر بودند.

سرانجام در آبان ۱۴۰۵، انتشار ویدئویی از مراسم عزاداری در این مرکز، زمینه شناسایی او را فراهم کرد. تعدادی از اهالی روستای افراچال با مشاهده تصاویر، چهره عادل را شناختند و موضوع را به خانواده‌اش اطلاع دادند. خانواده نیز پس از پیگیری و اطمینان از هویت او، برای دیدارش راهی قم شدند.

عادل در ۲۳ آبان ۱۴۰۵، پس از ۱۸ سال دوری، با مادر و سه برادرش دیدار کرد و پس از طی مراحل قانونی به جمع خانواده بازگشت. او روز بعد نیز به زادگاهش در شهرستان ساری رفت و با استقبال بستگان و اهالی محل روبه‌رو شد.

این بازگشت، با وجود شادی خانواده، با حسرتی بزرگ همراه بود؛ پدر عادل پیش از دیدن فرزندش از دنیا رفته بود و فرصت دیدار دوباره با او را پیدا نکرد.

۲۱ روز انتظار برای بازگشت امید

برای خانواده‌هایی که یکی از اعضای خود را گم کرده‌اند، روزهای بی‌خبری با نگرانی و تلاش برای یافتن او همراه است. خانواده امید نیز یکی از این خانواده‌هاست که پس از ۲۱ روز جست‌وجو، سرانجام فرزند خود را پیدا کرد. حسینی، مادر امید، درباره روزهای ناپدیدشدن فرزندش می‌گوید: در آن مدت به‌شدت نگران بودم و اصلاً حال روحی خوبی نداشتم. مدام می‌ترسیدم اتفاقی برای پسرم افتاده باشد. برای پیداکردن امید، اعلامیه‌های زیادی چاپ و در مکان‌های مختلف نصب کردم. حتی تصویر او را در اختیار بلاگرها قرار دادم و از آن‌ها خواستم برای پیدا شدنش اطلاع‌رسانی کنند. او با اشاره به شرایطی که فرزندش در زمان ناپدیدشدن تجربه کرده بود، می‌افزاید: فکر می‌کنم فرد یا افرادی که امید را با خود برده بودند، بعد از انتشار گسترده تصویرش و اطلاع‌رسانی‌ها ترسیدند و او را رها کردند. زمانی که امید نزد آن‌ها بود، اذیتش کرده بودند و دستش را سوزانده بودند. به گفته مادر امید، فرزندش در نزدیکی مناطق شمالی کشور و با کمک گشت‌های اجتماعی پیدا شد و پس از ۲۱ روز به خانواده بازگشت.

حسینی در پایان با تأکید بر ضرورت مراقبت بیشتر خانواده‌ها از فرزندانشان، می‌گوید: از خانواده‌ها می‌خواهم برای جلوگیری از چنین اتفاقاتی، مراقبت از فرزندانشان را جدی‌تر بگیرند و حتی بیشتر از گذشته مراقب آن‌ها باشند.

اعلام سریع مفقودی

در ساعات اولیه ناپدیدشدن یک فرد، خانواده‌ها چه اقدامی باید انجام دهند؟ آیا برای اعلام مفقودی لازم است ۲۴ ساعت منتظر بمانند؟

سرهنگ محمود ملکی، رئیس اداره چهارم پلیس آگاهی تهران بزرگ، در گفت‌وگو با ایسنا بر ضرورت اعلام فوری مفقودی افراد به پلیس تأکید کرده و می‌گوید: خانواده‌ها نباید برای اعلام فقدانی ۲۴ ساعت صبر کنند، بلکه باید بلافاصله به کلانتری مراجعه کنند تا موضوع ثبت و برای پیگیری به پلیس آگاهی ارجاع شود. وی همچنین کودکان زیر ۱۲ سال و سالمندان را از جمله گروه‌های پرخطر در پرونده‌های مفقودی دانسته و نسبت به احتمال سوءاستفاده از این افراد هشدار داده است. در کنار اقدامات انتظامی، آگاهی از مسیرهای قانونی پیگیری مفقودی نیز برای خانواده‌ها اهمیت دارد. حسین زندیه، وکیل پایه یک دادگستری، در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به اقدامات قانونی خانواده‌ها پس از ناپدیدشدن یکی از اعضای خانواده، می‌گوید: خانواده‌ها باید بلافاصله با مراجعه به نزدیک‌ترین کلانتری، فقدان فرد را اعلام و درخواست ثبت گزارش و ارجاع موضوع به پلیس آگاهی را مطرح کنند. به گفته وی، ارائه عکس جدید، مشخصات ظاهری، مدارک هویتی، آخرین محل و زمان مشاهده فرد و اطلاعات تماس او می‌تواند در روند پیگیری پرونده مؤثر باشد. همچنین در صورتی که احتمال وقوع جرم وجود داشته باشد، موضوع باید به دادسرای صالح نیز اعلام شود. این وکیل دادگستری با تأکید بر اینکه هیچ مهلت قانونی ۲۴ یا ۴۸ ساعته‌ای برای اعلام مفقودی وجود ندارد، اظهار می‌کند: خانواده‌ها می‌توانند بلافاصله پس از اطلاع از ناپدیدشدن فرد به پلیس مراجعه کنند و نباید اعلام فقدان را به تأخیر بیندازند. مسئولیت پلیس در قبال افراد مفقود شده و راه‌های پیگیری خانواده‌ها در صورت بروز تأخیر نیز از دیگر موضوعات مطرح شده در این زمینه است. زندیه توضیح می‌دهد که پلیس به عنوان ضابط دادگستری، وظیفه ثبت گزارش فقدان، انجام تحقیقات و اقدامات لازم برای شناسایی و یافتن فرد را بر عهده دارد. به گفته وی، اگر خانواده‌ها احساس کنند روند رسیدگی به پرونده با کوتاهی یا تأخیر همراه است، می‌توانند با ارائه درخواست کتبی به دادستان و مقام قضایی ناظر بر پرونده، خواستار نظارت و صدور دستورات تکمیلی شوند. همچنین امکان ثبت شکایت از عملکرد مأموران انتظامی از طریق سامانه نظارت همگانی پلیس (۱۹۷) وجود دارد. وی درباره مسئولیت مراکز نگهداری در قبال افراد مجهول‌الهویه نیز می‌گوید: این مراکز موظف‌اند اطلاعات و مشخصات افراد تحت مراقبت را ثبت و در زمینه احراز هویت و شناسایی خانواده آن‌ها با مراجع ذی‌صلاح همکاری کنند.